

بررسی مشروعیت سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات بر اساس مبانی امام خمینی (ره)

نویسندگان:

۱- رحمت اله کریم زاده (نویسنده مسئول)

۲- غلامعلی مقدم

Investigating the Legitimacy of Investing with Khums and Zakat Property Based on the Principles of Imam Khomeini (RA)

Author: Dr. Rahmatollah Karimzadeh

Abstract

Each of Khums and Zakat are the secondary Shariah obligations that God Almighty has made obligatory on Muslims. The philosophy of these two divine obligations is the financial provision and the basic necessities of life for certain classes of people in the society. The management of these two financial obligations was the responsibility of the Prophet (PBUH) and the infallible imams (AS) at the age of them, but there is a strong disagreement among the jurists, both Sunni and Shia about who is responsible in the age of occultation. These disagreements turn into two basic ideas: 1) ownership and management of these two financial obligations is the responsibility of the just Islamic government (Walayat al-Faqih), 2) Khums and Zakat payers can spend according to Shariah standards in the specified consumption cases. This article, according to the first basic idea, investigated the legitimacy of investment with khums and zakat property based on the principles of Imam Khomeini, with a descriptive-analytical and library method, and came to the conclusion that the legitimacy of this investment is not only possible, but in some circumstances it may seem necessary. The proof of this point of view has many fruits in the field of financing Islamic governance and meeting the needs of the place, especially in Islamic seminaries; this also provides the necessity of this discussion.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی گروه فقه مبانی حقوق. (نویسنده مسئول) Karam276@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم اسلامی رضوی گروه فلسفه و کلام.

Keywords: Khums; zakat; investment; ownership; Velayte Faqih.

چکیده

خمس و زکات از واجباتی هستند که خداوند متعال بر مسلمانان واجب نموده است. فلسفه تشریع این دو واجب الهی برای برقراری عدالت اجتماعی و تأمین مالی و ضروریات زندگی طبقات خاصی از افراد جامعه می‌باشد. مدیریت این دو واجب مالی در عصر پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) بر عهده آنان بوده است، اما اینکه در عصر غیبت بر عهده چه کسی است، میان فقهاء اختلاف نظر وجود دارد که می‌توان آنها را به دو قول اساسی برگرداند. (۱) ولایت و مدیریت این دو واجب مالی بر عهده حاکم اسلامی عادل (ولی فقیه) است، (۲) پرداخت کنندگان خمس و زکات خود می‌توانند بر اساس موازین شرعی هزینه نمایند. این نوشتار، با توجه به مبنای اول، با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای به بررسی مشروعیت سرمایه‌گذاری با اموال خمس و زکات بر اساس مبانی امام خمینی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که مشروعیت سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه در شرایطی ممکن است ضروری به نظر برسد. اثبات این دیدگاه، ثمرات زیادی در حوزه تأمین مالی حاکمیت اسلامی و رفع نیازهای محل مصرف خمس و زکات خواهد داشت که ضرورت این بحث را نیز ایجاب می‌کند.

کلید واژه‌گان: خمس؛ زکات؛ سرمایه‌گذاری؛ مالکیت؛ ولایت فقیه؛ امام خمینی.

۱- مقدمه و بیان مسأله

احکام و قوانین مالی تشریع شده در اسلام برای حمایت از مردم و برقراری عدالت اجتماعی و نظامند ساختن زندگی آنها بر اساس عقلانیت بوده است. یکی از اهداف اساسی شارع از تشریع قوانین مالی نظیر خمس و زکات، استقرار و جریان دایمی و تقویت و رشد آن در واقعیت زندگی مردم می‌باشد. به عنوان مثال، تشریع خمس و زکات، افزون بر شکر نعمتی که به اغناء داده شده و نیاز مستمندان را برطرف می‌کند، موجب طهارت، رشد و تقویت نظام امت می‌شود. در تشریع این قانون، دو حق وجود دارد: حق الهی و حق الناس: حق الهی جنبه عبادی آن است که علاوه بر ایجاد ارتباط بین بنده و پروردگارش، تضمین کننده اجرای این واجب الهی است، چرا که مخالفت با آن استحقاق عقاب را به دنبال می‌آورد؛ و دیگری حق الناس است که موجب تقویت بنیه مالی ضعفاء و برآوردن نیازهای معیشتی و ضروریات زندگی آنان می‌شود.

یکی از مسائلی که طرح آن امروزه از اهمیت خاصی برخوردار است مسأله مشروعیت سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات است. اندیشمندان متأخر اهل سنت به این مسأله در باب زکات پرداخته‌اند. اما فقهای امامی شاید به این دلیل که اولاً، حاکمیت اسلامی عادل

وجود نداشته است نیازی به طرح آن نمی‌دیده‌اند. و ثانیاً، به دلیل کمبود وجوه خمس و زکات از یک سو، و نیاز مبرم فقرا به آنها از سوی دیگر، جایی برای طرح مسأله سرمایه گذاری وجود نداشته است. اما استقرار نظام ولایت فقیه و همچنین، افزایش وجوه این دو واجب مالی و از سوی دیگر، تنوع شکل‌های سرمایه گذاری موجب می‌شود که بررسی مسأله مشروعیت سرمایه گذاری اموال خمس و زکات اهمیت زیادی پیدا بکند. چرا که این دو واجب مالی، ابزار بسیار مهمی برای دستیابی به توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جهت رفع فقر، نیاز و بیکاری و برقراری عدالت اجتماعی و همچنین مدیریت فرهنگی جامعه به شمار می‌آیند.

نوشته حاضر با روش توصیفی و تحلیلی مسائل مربوط به سرمایه گذاری اموال خمس و زکات را مورد ارزیابی قرار داده و این ایده را مطرح ساخته است که با توجه به مبانی امام خمینی (ره) در باب ولایت فقیه، مشروعیت سرمایه گذاری اموال خمس و زکات توسط نظام و حاکمیت اسلامی را می‌توان از ادله آنها استفاده کرد. اگر مشروعیت این امر ثابت شود، حل مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زیادی امکان‌پذیر خواهد بود که این بُعد پژوهش می‌تواند ضرورت این بحث را آشکار سازد.

۲- پیشنهاد بحث

تا آنجا که بررسی شده است، نوشته مستقلی در این باب از اندیشمندان شیعی یافت نشد و اساساً، مسأله سرمایه گذاری خمس و زکات در میان فقهای امامی حتی معاصرین مطرح نشده است. فقط آقای ناصر مکارم به صورت گذرا، اشاره به آن نموده‌اند، (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ۴۶۳). البته، مقالاتی در مورد گرفتن خمس و زکات و توزیع آنها و ولایت و یا مالکیت بر آنها تدوین شده است که با مسأله مورد بحث ارتباط چندانی ندارد، مانند:

۱. «بررسی امکان انتشار اوراق گواهی خمس در جامع اسلامی» نوشته سینا حاتمی که پیشنهاد چاپ اوراق بهادار را جهت تسهیل جمع آوری خمس و ترغیب مردم به پرداخت خمس ارائه نموده است، (حاتمی، ۱۳۸۹، ۱۳۲/۱-۱۴۳).
۲. «واکاوی ولایت بر اموال زکوی با تأکید بر مبانی فقهی امام خمینی»، نوشته زینب مشکانی، علیرضا عابدی سر آسیا و حسین ناصری مقدم، (مشکانی و ...، ۱۴۰۰/۳۲-۶۲)، که به بحث ولایت بر اموال زکوی پرداخته است و بحث سرمایه گذاری در آن مطرح نشده است.
۳. «واکاوی رویکرد حکومتی به خمس و زکات»، نوشته حسینعلی امینی و ...، (امینی و ...، ۱۳۹۷ش / ۳۷-۶۴). در این مقاله نیز نه به بحث سرمایه گذاری اشاره شده است و نه به دیدگاه امام خمینی «ره».
۴. «تأملی در مالکیت خمس در عصر غیبت» اثر رمضانعلی تقی زاده و علی پیردهی حاجیکلا، (تقی زاده و ...، ۱۳۹۵/۱۱۷-۱۳۵). این مقاله نیز در مورد مالکیت خمس می‌باشد و به مسأله سرمایه گذاری پرداخته نشده است.

۳- مفهوم شناسی

در بحث مفهوم شناسی، ابتدا به اختصار به بیان معانی لغوی و اصطلاحی واژه‌های عناوین مطرح در این نوشتار می‌پردازیم.

۳-۱- معنای لغوی واژه «خمس»

کلمه «خمس» به معنای گرفتن یک قسم از پنج قسم و یک واحد از پنج واحد است، (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۴/۲۰۵). برخی دیگر گفته‌اند: «زمانی که خمس اموال را می‌گیریم می‌گوییم خمست قوم فلان»، (جوهری، ۱۴۰۷ق، ۳/۹۲۴). ابن منظور می‌گوید: «و الخُمُسُ و الخُمُسُ و الخُمُسُ: جزء من خمسة»، یک قسم از پنج قسم را خُمُس، خُمُس و خُمُس می‌گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۶/۷۰). آنچه از واژه «خمس» در لغت استفاده می‌شود یک معنی بیشتر نیست و آن عبارت است از یک پنجم از یک شیء.

۳-۲- خمس در اصطلاح فقهاء:

مرحوم شهید ثانی و برخی دیگر در تعریف واژه «خمس» فرموده‌اند: «خمس حق مالی است که برای بنی هاشم ثابت می‌شود. این مال به جای زکات که به بنی هاشم تعلق نمی‌گیرد، قرار داده شده است»، (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۱/۴۵۷؛ سبزواری، ۱۲۴۷ق، ۲/۴۷۷؛ عاملی، بی‌تا، ۳۵۹/۵). مرحوم شیخ انصاری نسبت به معنای اصطلاحی «خمس» می‌فرماید: «و شرعا: اسم لحق فی المال یجب للحجۃ (علیه السلام) و قبيله». (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲۱). خمس مالیاتی است معادل یک پنجم که در شرع، بر اموری وضع گردیده است، (منتظری، ۱۴۱۵ق، ۳/۴۴). معنای اصطلاحی خمس تفاوت چندانی با معنای لغوی آن ندارد. در معنای اصطلاحی فقط حق مالی به عنوان حکم شرعی به معنای لغوی افزوده شده است. در حقیقت، خمس در اصطلاح، همان یک پنجم مال است که شارع مقدس آن را به عنوان حقی برای مستحقان آن قرار داده است.

۳-۳- زکات در لغت:

واژه «زکات» از ریشه «ز.ک.و» به معنای رشد و نمو و زیاد شدن می‌باشد، (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۳/۱۶-۱۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴/۳۵۸). همچنین، زکات به معنای پاک کردن مال و رشد کردن زراعت و محصولات آمده است، (فراهیدی، ۱۴۰۵ق، ۵/۳۹۴). راغب می‌گوید: زکات عبارت است از رشد ناشی از برکت الهی، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۳۸۰). نتیجه آن است که دو ویژگی در معنای لغوی زکات نهفته است: یکی تطهیر و تزکیه و دیگری رشد و نمو که دومی اثر اولی است، یعنی تزکیه و تطهیر مال با پرداخت زکات، موجب رشد و ازدیاد کمی و کیفی مال می‌شود.

۴-۳- زکات در اصطلاح فقهاء:

«زکات» در اصطلاح فقهاء، یکی از واجبات مالی است که در صورت رسیدن مال به حد نصاب خاص واجب می‌گردد، یا به تعبیر دیگر، حق ویژه‌ای است که در برخی از اموال با شروط خاصی ثابت می‌شود و بر مالک ادای آن واجب است، (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ۷/۵). صاحب جواهر می‌فرماید: زکات عبارت است از صدقه‌ای که در اصل به نصاب تعلق گرفته است و مقدر به اصل شرع می‌باشد، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳-۲/۱۵). شیخ انصاری می‌گوید: زکات مقدار خاصی از مال است که با شرایط مخصوصی خارج می‌شود، (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳).

در معنای اصطلاحی زکات دست کم چهار ویژگی وجود دارد: الف) زکات یک واجب مالی است که در قالب حق به مستحقان اعطا شده است؛ ب) این حق به وسیله شارع تقدیر شده و اندازه آن تعیین شده است؛ ج) مالی که متعلق زکات قرار می‌گیرد مشروط است به اینکه به حد نصاب خاصی برسد؛ د) این حق که در قالب زکات تعیین پیدا می‌کند عنوان صدقه دارد.

۴-۳- تعریف سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری که معادل آن در زبان عربی «استثمار» و در زبان انگلیسی «investment» می‌باشد، عبارت است از: «به کار انداختن و تلفیق عوامل تولید برای افزایش تولید کالا، تقبل هزینه‌ها برای ازدیاد سرمایه، به کار انداختن منابع مالی در فعالیت‌های تولیدی برای کسب سود و استفاده از پول برای کسب در آمد و افزایش سرمایه.» (حریری، ۱۳۸۸ش، ۱۰۷۱/۲).

پس از روشن شدن معنای لغوی و اصطلاحی عناوین مورد بحث در نوشتار حاضر، برای اثبات مشروعیت سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات بیان چند امر به عنوان مقدمات این بحث ضروری به نظر می‌رسد:

۴- مقدمات

۴-۱- مقدمه اول:

نکته نخست اینکه کیفیت تعلق خمس و زکات به مال چگونه است؟ آیا به عنوان حکم تکلیفی است و فقط بیانگر وجوب تکلیفی خمس است، یا اینکه به نحو حکم وضعی و ایجاد ملک یا حق و یا ولایت است که به دنبال آن وجوب تکلیفی خمس پدید می‌آید؟

ظاهراً، همان گونه که تعلق خمس به مال به نحو حکم تکلیفی است، مستفاد از ادله آن است که این تعلق به عنوان حکم وضعی نیز می‌باشد، (منتظری، ۱۳۸۶ش، ۲۸۹؛ شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ۳۲۳/۲؛ موسوی خلیلی، ۱۳۸۵ش، ۲۸۰/۲؛ اراکی، ۱۳۹۰ش، ۳۳۷/۲). معنای

حکم وضعی آن است که خداوند متعال برای شخص رسول خدا (ص) و امام (ع) یا جایگاه آنها نسبت به خمس و زکات جعل ولایت یا ملکیت و یا حق نموده است و بالتبع، وجوب تکلیفی نیز از آن به دست می‌آید. در نتیجه، وجوب خمس و زکات فقط یک وجوب تکلیفی محض نیست.

توضیح اینکه: وجوب خمس و زکات تنها بیانگر وجوب تکلیفی نیست، بلکه دلالت بر جعل حق یا ملکیت برای حاکم شرع و ولی فقیه و مستحقان نیز دارد. نهایت بحثی که هست آن است که آیا این حق یا ملکیت به ذمه پرداخت کنندگان خمس و زکات تعلق می‌گیرد و به عنوان دین به شمار می‌آید یا اینکه به عین خارجی تعلق می‌گیرد؟ برخی ادعای شهرت، بلکه اتفاق کرده‌اند بر اینکه به عین خارجی تعلق می‌گیرد، (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲۷۸؛ موسوی خلخالی، ۱۴۲۷ق، ۲/ ۲۸۰).

برای اثبات این ادعا که خمس و زکات تنها وجوب تکلیفی ندارند، بلکه حکم وضعی، یعنی جعل ملکیت و یا حق برای مستحقان نیز شده است به چندین آیه و روایت تمسک شده است. از جمله آیاتی که بدان تمسک شده است آیه شریفه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ...»، (انفال: ۴۱) می‌باشد. در این آیه کلمه «خمس» به خود غنیمت اسناد داده شده است به همراه «لام» که ظهور در ملکیت دارد. این حاکی از این است که علاوه بر وجوب تکلیفی، جعل ملکیت و یا دست کم جعل حق برای مستحقان شده است.

همچنین، برای اثبات جعل ملک یا حق برای مستحقان به روایات فراوانی استدلال شده است که به عنوان نمونه به یک روایت اشاره می‌شود. عمران بن موسی نقل می‌کند که آیه خمس را برای امام موسی بن جعفر (ع) قرائت کردم، سپس ایشان فرمود: «ما كان لله فهو لرسوله و ما كان لرسوله فهو لنا، ثم قال و الله لقد يسر الله على المؤمنين اَرْزاقهم بخمسة دراهم، جعلوا لربهم واحدا و أكلوا أربعة أحلاء...»، (وسائل الشیعه، ۴۸۴/۹، باب ۱ از ابواب ما يجب فيه الخمس، حدیث ۶-۱۳). این روایت به صراحت بیان می‌کند که یکی از پنج درهم خُمس می‌باشد و متعلق حق یا ملک دیگران است. (ر.ک. موسوی خلخالی، ۱۴۲۷ق، ۲/ ۲۸۰-۲۸۳). روایاتی که در این باب وجود دارند زیاد است و ظرفیت این نوشتار اجازه بررسی سندی و دلالتی همه آنها نمی‌دهد، لذا از بررسی آنها ظرف نظر می‌شود و خواننده را به کتابهایی که در باب خمس و زکات تدوین شده ارجاع می‌دهد، کتابهایی همچون کتاب الخمس مرحوم شیخ انصاری، کتاب الخمس مرحوم منتظری، و کتاب الخمس محسن اراکی.

۲-۴- مقدمه دوم:

خمس و زکات آیا به عین مال تعلق می‌گیرد یا به ذمه شخص؟

در مورد این مقدمه نیز ظاهراً میان فقهای امامی در اینکه خمس یا زکات به عین مال تعلق می‌گیرد و نه به ذمه، اختلافی وجود ندارد. ثمره تعلق به عین یا به ذمه این است که اگر به ذمه تعلق بگیرد، در این صورت، عین مال ملک طلق صاحب مال خواهد بود و هر نوع تصرفی می‌تواند در آن بنماید، اما اگر به عین تعلق بگیرد، آن عین بین صاحب مال و صاحب خمس مشترک است و تصرف مالک منوط به پرداخت خمس خواهد بود. البته در هنگام ادای و پرداخت آن لزومی ندارد که از عین آن مال بدهد، بلکه می‌تواند قیمت آن راپردازد، (انصاری، ۱۳۱۵ق، ۲۷۸؛ امام خمینی، ۱۳۹۲ش، ۳۸۰/۱؛ سیفی، ۱۴۳۰ق، ۱۴؛ موسوی خلخالی، ۱۳۸۵ش، ۲۸۰/۲؛ اراکی، ۱۳۹۰ش، ۳۳۹/۲).

۳-۴- مقدمه سوم:

نکته سومی که باید بدان توجه داشت این است که اگر خمس یا زکات به عین مال خارجی تعلق می‌گیرد، آیا به عنوان ملک است یا حق و اگر به عنوان ملک است، آیا به نحو اشاعه در ملک است یا مشارکت در مالیت و یا به نحو کلی فی المعین؟

نسبت به مقدمه سوم اختلاف نظر فرائوانی میان فقهاء وجود دارد که نوشتار حاضر گنجایش بیان تفصیلی آن را ندارد، لذا فقط به آن جنبه از بحث که با مسأله مورد بحث ما ارتباط مستقیم دارد می‌پردازیم.

ادعا شده است که مشهور فقهای امامی بر این عقیده هستند که اولاً، تعلق خمس به عین به نحو ملک می‌باشد و ثانیاً، مالکیت صاحب خمس به نحو ملک مشاع است. به نظر می‌رسد، نحوه ملکیت در باب زکات نیز چنین است، زیرا غالب احکام خمس و زکات مشترک می‌باشد، (ر.ک. انصاری، ۱۴۱۵ق، ۲۷۷؛ سبزواری، ۱۴۲۴ق، ۳۳۸؛ اراکی، ۱۳۹۰ش، ۳۶۰/۲؛ موسوی خلخالی، ۱۴۲۷ق، ۲۸۰/۲، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۱۵؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ۲۸۴/۲۵؛ نوری همدانی، ۱۳۸۸ش، ۸۷۱). البته امام خمینی «ره» قایل اند که رسول خدا (ص) و امام (ع) نسبت به اموال خمس و زکات ولایت در تصرف بر اساس مصالح امت دارند، نه مالکیت شخصی یا حقوقی. (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ۶۶۲/۲)

۴-۴- مقدمه چهارم:

حال که روشن شد که نحوه تعلق خمس و زکات به مال یا به عنوان ملک است و یا به عنوان حق، سوالی که مطرح می‌شود آن است که مالک یا صاحب حق نسبت به اموال خمس و زکات کیست؟

۱-۴-۴- مالکیت یا ولایت بر اموال خمس از منظر فقهای امامی

فقهای امامی نسبت به دریافت و کیفیت مصرف و تقسیم خمس اختلاف نظر دارند که عمده آنها دو دیدگاه می‌باشد.

الف) دیدگاه نخست (مشهور فقهای امامی)

خمس، شش بخش می شود: سه بخش آن، حق و یا ملک امام معصوم (ع) در زمان حضور و حق یا ملک حاکم اسلامی (ولی فقیه) در زمان غیبت است و سه سهم دیگر آن حق یا ملک شخصی دسته های سه گانه سادات می باشد. (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۷۶-۲۷۷؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، مبسوط، ۱/ ۲۶۲؛ طوسی، الخلاف، ۱۴۰۷ق، ۴/ ۲۰۹؛ سید مرتضی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۲۲۶؛ ابن براج، المهدب، ۱۴۰۶ق، ۱/ ۱۸۰؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۱/ ۴۹۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱/ ۱۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۶/ ۸۴).

دسته ای از فقهاء سهم الله را حذف کرده اند و خمس را پنج سهم قرار داده اند. (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱/ ۱۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۶/ ۸۹).

برای این دیدگاه که به مشهور فقهای امامی نسبت داده شده است چندین دلیل اقامه شده که در اینجا مجال ذکر و بررسی آنها آنها نیست، (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ۳/ ۳۲۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۲/ ۳۶۹).

ب) دیدگاه دوم: (برخی از فقهای امامی)

خمس حق امامت و بودجه حکومت اسلامی است و بیش از یک سهم نیست و آن هم در اختیار حاکم اسلامی قرار می گیرد تا در هر جا که به مصلحت محل مصرف باشد، هزینه کند. (منتظری، ۱۴۱۵ق، ۳/ ۱۱۰، ۴/ ۱۰۸)

بر اساس این دیدگاه، خمس به تمام و کمال به ترتیب حق منصب نبوت، امامت و حاکمیت اسلامی در عصر غیبت است. چون حکومت از آن خداوند و همه خمس از آن اوست و خداوند این حق را به پیامبر (ص) به اعتبار جانشین و خلیفه خود در زمین تفویض فرموده است و پس از آن حضرت، ذی القربی (امامان معصوم) به اعتبار جانشینی آنان از مقام رسالت، این حق را در اختیار می گیرند و در دوران غیبت، به حکم ادله ولایت فقیه، این حق در اختیار ولی فقیه و نایب عام امام (ع) قرار می گیرد تا براساس مصالح اسلام و مسلمانان آن را هزینه کند.

ج) دیدگاه امام خمینی «ره»

امام خمینی دیدگاه دوم را پذیرفته است و می فرماید آنچه از کتاب و سنت استفاده می شود آن است که رسول خدا (ص) و همچنین ائمه طاهرین (ع) هر کدام در عصر خودشان ولی در تصرف در این اموال بودند و ملک شخصی آنها به شمار نمی آمده است. ایشان به استناد آیه شریفه «واعلموا انما غنمتم...» (انفال: ۴۱) هم ملکیت اعتباری خداوند را رد می کند و هم ملکیت تکوینی را. اما ملکیت اعتباری درست نیست، زیرا اولاً، هیچ عاقلی چنین مالکیتی را برای خداوند متعال اعتبار نمی کند، یعنی بدین گونه نیست که مثلاً خداوند متعال پیامبر (ص)

را فرضاً وکیل در بیع آن قرار دهد و آن را بیع کند و با این بیع، آن مال از ملک الهی خارج شود و ثمن آن در ملک او داخل شود، روشن است که چنین چیزی معقول نیست، و ثانیاً، آیه شریفه همان ملکیت برای خداوند را برای رسول (ص) نیز قرار داده است، و این معقول نیست که در آن واحد هم خداوند مالک اعتباری آن باشد و هم رسول او. (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ۶۵۹/۲)

اما ملکیت تکوینی در این آیه شریفه درست نیست، زیرا این آیه در مقام بیان حکم فقهی عقلایی است، نه بیان دقایق فلسفی و عرفانی، لذا مراد از «لام» در این آیه شریفه «لام» ملکیت نیست، بلکه به معنای حق ولایت و اولویت در تصرف در این اموال است که از نظر عقلاء، چنین ولایتی، ولو به نحو اعتباری، برای خداوند متعال و همچنین، حمل «لام» در «للسول» بر ولایت در تصرف به لحاظ اعتبار عقلایی بلاشکال است و وحدت سیاق نیز حفظ شده است و منافاتی با ظاهر ادله نیز ندارد، (همان). بنابر این، تنها این احتمال باقی می ماند که خداوند متعال بالاصاله ولایت دارد و رسول خدا (ص) ولی از جانب اوست و امام (ع) ولی از جانب خدا یا جانب رسول خواهد بود. (همان، ۶۱/۲).

ایشان پس از تبیین چگونگی سهم امام و سهم سادات و فکر ادله و روایات این باب، (ر.ک. امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ۶۶۲/۲) می فرماید: «و بالجمله من تدبر فی مفاد الآيات والروایات يظهر له ان الخمس بجميع سهامه من بیت المال والوالی ولی التصرف فيه، و نظره متبع بحسب المصالح الامّة حسب ما یری و علیه ادارة معاش طوائف الثلاث من السهم المقرر ارتزاقهم منه حسب ما یری»، (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ۶۶۲/۲).

امام خمینی در این گفتار به دو نکته اشاره دارد: یکی اینکه خمس حق حاکم و در اختیار حکومت اسلامی است، و دیگری اینکه این حکم در مورد همه خمس جریان دارد و اختصاص به سهم امام تنها ندارد، نهایت حاکم باید نیازهای گروه های سه گانه را از سهم تعیین شده برای آنها تأمین نماید.

از ظاهر سخنان برخی از فقهای پیش از امام خمینی نیز استفاده می شود که تمایل به چنین دیدگاهی داشته اند، هر چند بدان فتوی نداده اند، (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۱۵۵/۱۶؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳۴۰؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق، ۲۱۷/۱).

طرفداران دیدگاه دوم چندین دلیل بر مدعای خود اقامه نموده اند که به جهت پرهیز از طولانی شدن بحث، از ذکر آنها خوداری می شود. (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ۶۶۲/۲؛ منتظری، ۱۳۸۶ش، ۳۳۸؛ شاهرودی، ۱۴۱۰ق، ۳۷۴/۲؛ زنجانی، بی تا، ۲۲۶؛ میلانی، ۱۳۹۵ق، ۱۶۹).

بنابراین، بر اساس دیدگاه غیر مشهور فقهای امامی، خمس حق الاماره و از آن منصب امامت است و در عصر غیبت، خمس در اختیار فقیهی قرار می گیرد که جامع شرایط باشد. چرا که براساس ادله ای اثبات ولایت فقیه، همه اختیارات حکومتی پیامبر (ص) و ائمه (ع)

در عصر غیبت به فقیه واگذار شده است و در نتیجه، همان گونه که این بودجه در زمان حیات پیامبر(ص) و ائمه(ع) در اختیار آنان قرار می‌گرفت، در زمان غیبت نیز باید در اختیار ولیّ فقیه قرار گیرد، (میلانی، ۱۳۹۵ق، ۲۷۷).

امام خمینی در این خصوص می‌فرماید: «وعلى ذلك يكون الفقيه فى عصر الغيبة وليّاً للامر و لجميع ما كان الامام عليه السلام وليّاً له، و منه الخمس، من غير فرق بين سهم الامام و سهم السّاده، بل له الولاية على الانفال والفئ»، ((امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ۶۶۴/۲)

امام خمینی نه تنها خمس را در اختیار حاکم و حکومت اسلامی می‌داند، بلکه تشریع آن را با این گستردگی دلیل می‌گیرد که اسلام دارای دولت و حکومت است:

«جعل خمس در همه عنائم و ارباح مکاسب، دلیل محکمی است بر این که اسلام دارای دولت و حکومت است و خمس را خداوند برای نیازهای حکومت اسلامی قرار داده است، نه برای فقط رفع نیاز سادات، زیرا نصف خمس، بازار بزرگی از بازارهای مسلمانان آنان را کفایت می‌کند. بنابراین، خمس برای همه نیازهای حاکم اسلامی، از جمله رفع نیاز سادات است.» (همان، ۶۵۶؛ همو، ۱۴۲۳ق، ۳۱-۳۲)

ایشان در کتاب ولایت فقیه تصریح می‌کند:

«خمس یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت المال می‌ریزد، و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد. طبق مذهب ما، از تمام منافع کشاورزی، تجارت، منابع زیر زمینی و روی زمینی و به طور کلی از کلیه منافع و عواید، به طرز عادلانه‌ای [خمس] گرفته می‌شود ... تا به بیت المال وارد شود. بدیهی است، درآمد به این عظمت برای اداره کشور اسلامی و رفع همه احتیاجات مالی آن است. هر گاه خمس درآمد کشورهای اسلام، یا تمام دنیا را اگر تحت نظام اسلام درآمد حساب کنیم، معلوم می‌شود ... منظور رفع نیاز مالی تشکیلات بزرگ حکومتی است. اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیاتهایی که داریم، یعنی خمس و زکات ... اداره شود.» (همان، ۲۱)

۲-۴-۴- مالکیت یا ولایت بر اموال زکات از منظر فقهای امامی

نسبت به ولایت بر اموال زکوی نیز در میان فقهاء اختلاف نظر وجود دارد، و همانند آن دو دیدگاهی که در مورد خمس بود در مورد زکات نیز هست:

الف) دیدگاه مشهور

اکثر فقهای متقدم و برخی از متأخران می‌گویند که تحویل زکات به امام (ع) و ولی فقیه در عصر غیبت لازم نیست و خود صاحب مال می‌تواند بر اساس موازین شرعی به مصرف برساند، (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۲۴۴/۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۴۵۸/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱۵۲/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۱۵/۱۵-۴۱۶؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۲۰۲/۴؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ق، ۳۷/۳؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳۵۸)

ب) دیدگاه دوم: (غیر مشهور)

گروهی بر این عقیده هستند که ولایت بر اموال زکوی بر عهده امام (ع) و در عصر غیبت، فقیه جامع الشرایط متولی آن می‌باشد و مردم باید زکات را به فقیه بدهند و خودشان حق پرداخت آن را به مستحقین ندارند. (مفید، ۱۴۱۳ق، ۲۵۲؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳ق، ۱۷۲/۱؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ۴۹۵/۲؛ سبحانی، ۱۴۲۴ق، ۳۳۶)

ج) دیدگاه امام خمینی «ره»

امام خمینی در این خصوص می‌فرماید: «هر کس در مفاد آیه و روایات تدبر کند، بر او آشکار می‌شود که همانسان که خمس با تمام سهامش از بیت المال به شمار می‌آید و ولایت در تصرف در آن برای والی است و نظر او را باید بر اساس مصالح عامه مسلمانان مد نظر قرار داد، امر زکات نیز در عصر غیبت بر عهده حاکم اسلامی است، و سهم‌ها را باید با رعایت مصلحت در امور محل مصرف هزینه کند» (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ۶۶۲/۲). ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «مالیاتهای حکومتی چند نوع است و زکات از جمله آنها است و دولت برای ضبط این مالیات باید مأمورینی بگمارد، (همو، ۱۳۷۸، ۲۵۸).

ایشان در کتاب تحریر الوسیله می‌فرماید:

«افضل بلکه احوط آن است که در عصر غیبت، زکات به فقیه داده شود، مخصوصاً زمانی که فقیه آن را طلب کند؛ زیرا او به موارد مصرف زکات آگاه‌تر است و اگر چه اقوی این است که پرداخت زکات به امام واجب نیست، مگر زمانی که به خاطر مصلحت اسلام یا مسلمانان حکم به دفع زکات به او نماید، پس در صورتی که آن را طلب کند، پیروی از دستور وی واجب است و لو اینکه مقلد او نباشد» (همو، بی‌تا، ۳۴۲/۱).

بر این اساس، در مورد مالکیت و ولایت در تصرف در اموال خمس و زکات، دو دیدگاه اساسی وجود دارد که در فوق بدانها اشاره شد. دیدگاه دوم که مبنای این نوشتار می‌باشد این بود که هیچ فرقی در ولایت بر تصرف در اموال خمس و زکات بین عصر حضور

با عصر غیبت وجود ندارد. همان ولایتی که رسول خدا (ص) و سپس امام معصوم (ع) دارند، در عصر غیبت نیز فقیه جامع الشرایط از آن ولایت برخوردار است و هر گونه مصلحت بداند می‌تواند اموال خمس و زکات را در جهت اسلام و مسلمانان به مصرف برساند.

حاصل اینکه از نگاه امام خمینی، بر هر آنچه که امام (ع) در عصر حضور ولایت دارد، به حکم ادله ولایت فقیه، ولی فقیه نیز در عصر غیبت از آن برخوردار است، مگر اینکه دلیلی اقامه شود که فلان مورد اختصاص به شخص امام (ع) دارد یا دلیلی وجود داشته باشد بر اینکه هر چند مواردی از شئون حکومت به شمار می‌آید، ولی اختصاص به امام معصوم (ع) دارد و نمی‌توان آن را به غیر امام معصوم (ع) سرایت داد، (همان، ۶۶۴/۲)

حال، با توجه به دیدگاه امام خمینی مبنی بر اینکه اموال خمس و زکات همچون انفال و فئ از اموالی به شمار می‌آیند که در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) می‌باشد و ولی فقیه بر اساس مصالح عامه مسلمانان (همان، ۶۶۴/۲) و محل مصرف می‌تواند هر نوع تصرفی در آن بنماید، این سوال مطرح می‌شود که آیا سرمایه‌گذاری با اموال خمس و زکات یا دست کم با بخشی از آن، در صورتی که مازاد بر مصرف مستحقان باشد، می‌تواند از مواردی به شمار آید که به مصلحت محل مصرف آنها باشد و در نتیجه، حاکم اسلامی و ولی فقیه مجاز به چنین سرمایه‌گذاری باشد یا خیر؟

۵- سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات

مسئله سرمایه‌گذاری اموال زکات و خمس از ابعاد مختلفی قابل بررسی است. یکی از آن ابعاد، بررسی جواز سرمایه‌گذاری این اموال توسط مستحقین زکات پس از دریافت آن می‌باشد. این مسئله هر چند ارتباطی با موضوع بحث ما ندارد، ولی ظاهراً نسبت به جواز سرمایه‌گذاری مستحقان و دریافت کنندگان خمس و زکات منعی نباید وجود داشته باشد، زیرا مستحقان، همان مقداری که در اختیار آنها قرار می‌گیرد، دست کم به اندازه قوت سالانه، چه مالک عین مال خمس و زکات باشند و چه مالک منفعت یا حق انتفاع، در هر صورت، نسبت به جواز تصرف آنها در مال خمس و زکات منعی وجود ندارد، زیرا در چگونگی تصرف آنها دستور العملی از شرع نیامده است مبنی بر اینکه فقط می‌توانند در این موارد خاص مثلاً هزینه کنند، بلکه کیفیت مصرف به عهده خود آنها است، حال اگر بخواهند همان مقداری را که دریافت کرده‌اند سرمایه‌گذاری کنند به این هدف که درآمد بیشتری کسب کنند تا از این طریق نیازهای خود را برطرف ساخته و دیگر نیازی به گرفتن زکات یا خمس نداشته باشند، نسبت به این امر نه مانع عقلی وجود دارد و نه شرعی و نه عرفی. (ر.ک).

حکیم، ۱۴۱۶ق، ۲۲۱/۹؛ شاهرودی، ۱۴۲۵ق، ۴۳۲/۲

بُعد دیگر این بحث، جواز سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات از طرف صاحب مال، یعنی پرداخت‌کننده آنهاست. در این خصوص نیز عمده فقهاء قایل به صحت معامله و تجارت با مال خمس و زکات قبل از اخراج و حتی بعد از اخراج شده‌اند، البته در صورتی که حاکم شرع اجازه دهد. از حکم به صحت چنین معامله‌ای، هر چند در قالب بیع فضولی، جواز و صحت سرمایه‌گذاری صاحب مال، یعنی پرداخت‌کننده زکات را ولو به شرط ضمان می‌توان به دست آورد. اثبات جواز و صحت تصرفات پرداخت‌کننده خمس و زکات هر چند ارتباط مستقیم با بحث ما ندارد، ولی می‌تواند در اثبات مدعا و فرضیه بحث ما که جواز سرمایه‌گذاری توسط حاکم شرع و ولی فقیه می‌باشد، نقش داشته باشد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. (ر.ک. بنی فضل، ۱۳۸۱ش، ۴۱۷؛ یزدی، ۱۳۸۸ش، ۴۰/۱۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰ق، ۳۰۷)

آنچه در این مسأله اساس بحث ما را تشکیل می‌دهد بررسی مشروعیت سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات توسط ولی فقیه و حاکمیت اسلامی است. به تعبیر دیگر، مسأله اساسی این نوشتار بررسی این سوال است که آیا در عصر غیبت، حاکم اسلامی (ولی فقیه) بر اساس دیدگاه دوم، که در فوق بدان اشاره شد، می‌تواند جهت مولدسازی این سرمایه کلان، اقدام به سرمایه‌گذاری نماید یا خیر؟

۱-۵- حکم سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات توسط حاکم اسلامی (ولی فقیه)

ظاهراً در این جهت که امام (ع) یا نائب امام (فقیه جامع الشرایط-حاکم اسلامی) حق جمع‌آوری اموال خمس و زکات را دارند و می‌توانند آنها را در میان مستحقان توزیع نمایند و اینکه پرداخت خمس و زکات به آنها موجب برائت ذمه پرداخت‌کننده‌گان می‌شود تردیدی در میان فقهاء وجود ندارد، (حکیم، ۱۴۱۶ق، ۳۲۹/۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۲۲/۱۵-۴۲۳؛ یزدی، ۱۴۰۹ق، ۳۲۳/۲؛ حائری یزدی، ۱۴۱۸ق، ۸۳۲؛ امینی و ...، ۱۳۹۷ش، ۳۷-۶۴). اما اینکه داشتن این حق از باب مالکیت است (چه شخصی و چه حقوقی) یا از باب ولایت و حق مدیریت این نوع اموال، اختلاف نظر وجود دارد که در مباحث قبلی بدان پرداخته شد. آنچه مسلم است این است که در زمان غیبت و حاکمیت ولایت فقیه، نظام اخذ و مصرف در اختیار اوست.

یکی از شرایط اساسی در نظام اخذ و مصرف اموالی که در اختیار حاکمیت اسلامی قرار دارد، به طور عام، و اموال خمس و زکات، به طور خاص، رعایت مصلحت در مورد محل مصرف آنها می‌باشد. (امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ۶۶۲/۲) سؤالی که در اینجا قابل طرح است این است که آیا رعایت مصلحت در مورد این اموال به این است که تنها به جمع‌آوری و توزیع عادلانه آنها در میان مستحقان بسنده شود؟ یا اینکه رعایت مصلحت اقتضاء می‌کند که افزون بر جمع‌آوری و توزیع عادلانه، به مولدسازی آن نیز توجه شود که مصداق اتم صدقه جاری است؟ یعنی، اموال جمع‌آوری شده به گونه‌ای مدیریت شود که مقداری از آن اموال به جهت رفع نیازهای مبرم نیازمندان به آنها پرداخت شود و مقداری دیگر، در صورت مازاد بر نیاز ضروری، به دلیل آینده‌نگری و افزایش درآمد و در نتیجه، استمرار این

پرداخت‌ها و تقویت بنیه مالی دریافت‌کنندگان، در سرمایه‌گذاری هزینه شود تا سرمایه‌ای مولد، پایدار و مستمری همواره در اختیار حاکمیت ولایت فقیه باشد که بتواند بدون دغدغه در جهت مصالح موارد مصرف این اموال هزینه کند؟ اینجاست که مسأله سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات بسیار اهمیت پیدا می‌کند و می‌توان گفت که بررسی مسأله مشروعیت آن ضرورت می‌یابد.

همانسان که قبلاً اشاره شد، به این مسأله در میان فقهای شیعه، به هر دلیلی، توجهی نشده و در مباحث فقهی مستقیماً بدان پرداخته نشده است، اما می‌توان از برخی مسایلی که در خلال دیگر مباحث مطرح شده است جواز سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات را استفاده کرد که به برخی از مهم‌ترین آنها در ذیل پرداخته می‌شود:

۱- عمده فقهاء بر این عقیده هستند که حاکم شرع (ولی فقیه) می‌تواند خمس و زکات را از پرداخت‌کننده آنها دریافت کند و برای آنها نیز جایز است خمس و زکات خود را به ولی فقیه پردازند و اگر حاکم شرع آنها را از باب ولایت قبض کند، ذمه مالکان خمس و زکات بری می‌شود و فراغ ذمه پیدا می‌کنند و حتی اگر آن اموال نزد فقیه از بین برود، آنها ضامن نیستند، (نجفی، ۱۳۱۸ق، ۷۱؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ق، ۴/۱۴۴؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ۲۴/۲۳۹؛ امام خمینی، ۱۳۹۲ش، ۱/۳۴۳).

می‌توان برای این فتوای فقها از روایات نیز بهره جست. در روایتی چنین آمده است: «وَعَنْهُ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَا أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فَذَهَبَتْ - وَ لَمْ يُسَمَّهَا لِأَحَدٍ فَقَدْ بَرَّئَ مِنْهَا. » (حر عامل، ۱۴۰۹ق، ۹/۲۸۶) این روایت دلالت دارد که اگر صاحب مال، زکات مال را کنار بگذارد و به مستحق خاصی نداده باشد و سپس تلف شود، صاحب مال ضامن نیست. حال، اگر صرف عزل مال زکوی توسط مالک موجب رفع ضمان می‌شود، عزل مال زکوی با قبض حاکم به طریق اولی باید موجب رفع ضمان شود، چون فرض این است که اولاً و بالذات زکات باید به حاکم اسلامی پرداخت شود و پرداخت زکات توسط صاحب مال در مرحله دوم قرار دارد. (خوئی، ۱۴۱۸ق، ۲۴/۲۳۹)

دیدگاه فوق حاکی از آن است که ولی فقیه و حاکم شرع اگر از باب ولایت، در این نوع اموال تصرف کند و تصرف او در جهت مصالح عامه و محل مصرف آن اموال باشد، این تصرف هم موجب برائت ذمه پرداخت‌کنندگان می‌شود و هم نشان دهنده جواز اخذ آن اموال و جواز هر نوع تصرفی است که توسط حاکم شرع صورت می‌گیرد و به نفع محل مصرف می‌باشد. زیرا خود جواز اخذ آن اموال، و برائت ذمه پیدا کردن پرداخت‌کنندگان دلیل است بر اینکه این نوع اختیارات، البته با رعایت مصلحت محل مصرف، برای فقیه جامع الشرایط وجود دارد، در غیر این صورت، نباید این احکام بر آن مترتب شود. یکی از اموری که به نفع و مصلحت محل مصرف می‌باشد

عبارت است از مولدسازی سرمایه‌ای که در اختیار حاکم شرع و ولی فقیه قرار می‌گیرد. حال، امر دایر است بر اینکه این سرمایه را حاکم شرع در اختیار مستحقان قرار دهد و به یک باره مصرف شود و پایان پذیرد و یا اینکه دست کم بخشی از آن در جهت سرمایه‌گذاری موکد هزینه شود تا آن سرمایه وجودی مستمر داشته باشد و همواره بتواند نیازهای نیازمندان محل مصرف را تأمین نماید، روشن است که دومی قطعاً ترجیح دارد، و از آنجا که تنها ملاک جواز تصرف فقیه رعایت مصلحت است، پس هر جا این مصلحت بود باید حکم به آن جا قابل تسری باشد و در بحث سرمایه‌گذاری قطعاً چنین مصلحتی وجود دارد.

۲- بسیاری از فقهاء در بحث تجارت مالک با عین مال خمس قبل از کنار گذاشتن خمس یا با نصاب زکات قبل از اخراج زکات بر این عقیده هستند که این معامله در مقدار خمس و زکات به نحو بیع فضولی، یعنی با اجازه حاکم شرع، صحیح است. لذا اگر حاکم شرع اجازه دهد، عوض آن را از مالک می‌گیرد و اگر اجازه ندهد، مقدار خمس و زکات را در صورت بقای عین مال، از عین آن می‌گیرد و اگر تلف شده باشد، قیمت آن را اخذ می‌کند. (تبریزی، ۱۴۲۸ق، ۲۷۹/۱؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸ق، ۲۱۲/۱۰؛ سبزواری، ۱۴۲۴ق، ۳۵۵؛ طباطبایی قمی، ۱۴۱۹ق، ۲۳۰). این حکم در زکات نیز جاری است. (منتظری، ۱۴۰۹ق، ۱۱۷/۲)

این فتوای فقهاء، مخصوصاً بر اساس این دیدگاه که مالکیت ارباب خمس و زکات به نحو مشارکت در مالیت باشد و نه مشارکت در عین که نتیجه‌اش جواز تصرف است تکلیفاً، (تبریزی، ۱۴۲۸ق، ۲۷۹/۱) به صحت بیع مال خمس یا زکوی به نحو بیع فضولی، در صورت اجازه حاکم شرع و ولی فقیه، نشان‌دهنده آن است که اگر خود حاکم شرع و ولی فقیه با مال خمس یا زکات که از پرداخت‌کننده آن گرفته است در صورتی که به مصلحت مستحقان باشد، تجارت کند و یا با آن سرمایه‌گذاری نماید، به طریق اولی باید صحیح باشد و نیاز به اجازه هم ندارد، زیرا بر اساس دیدگاه کسانی که قایل هستند که اموال خمس و زکات باید در اختیار حاکم شرع و ولی فقیه قرار بگیرد، خواه از باب مالکیت حقوقی و یا از باب ولایت، قطعاً اگر در جهت مصالح محل مصرف آنها باشد، تصرفات او مجاز و مشروع خواهد بود.

۳- یکی دیگر از مواردی که شاید بتوان به عنوان موید جواز سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات توسط حاکم شرع و فقیه جامع الشرایط نام برد مسأله جواز اقتراض حاکم شرع برای امور زکات است. فقهاء قائل هستند که حاکم شرع می‌تواند برای جمع‌آوری زکات و نگهداری آن و یا رفع نیازهای مستمندان قرض بگیرد و در مورد زکات به مصرف برساند، (سبحانی، ۱۴۲۴ق، ۵۱۹/۲؛ منتظری، ۱۴۰۹ق، ۳۸۷-۴۰۰/۴).

از این حکم فقهاء به جواز اقتراض حاکم شرع برای زکات در صورتی که به مصلحت مستحقان و محل مصرف باشد، نیز می‌توان استفاده کرد که اگر نیازهای مستحقان خمس و زکات با سرمایه‌گذاری بخشی از اموال خمس و زکات رفع می‌شود، چرا حاکم شرع مجاز به چنین کاری نباشد، بلکه باید گفت که با اولویت قطعی این سرمایه‌گذاری مجاز می‌باشد؛ زیرا در قرض گرفتن فقط اثرش رفع نیاز است و در نهایت، باید دین را از مال زکات بپردازد. حال اگر فقهاء حکم به جواز چنین قرضی نموده‌اند در حالی که هیچ گونه بازدهی جز مصرف کردن آن ندارند، سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات باید به طریق اولی جایز باشد؛ زیرا با سرمایه‌گذاری، نه تنها رفع نیاز آنان می‌شود، بلکه تولید درآمد صورت می‌گیرد و موجب مولدسازی اموال خمس و زکات می‌گردد و موجب رساندن سود بیشتر به آنان و چنین نیست که مستحقان از دستیابی به سهم خویش محروم شوند، و این کار از نظر عقلاء، قطعاً بر اقتراض برای زکات ترجیح دارد.

۴- اخبار و فتاوی‌ی وجود دارند که از آنها استفاده صحت تجارت با مال یتیم می‌شود.

اما اخبار، برخی از آنها را به عنوان نمونه در اینجا ذکر می‌کنیم. ۱- «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِلْأَبِيِّ عَبْدِ اللَّهِ عَ هَلْ عَلَى مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ - قَالَ لَا إِلَّا أَنْ تَتَجَرَّ بِهِ...» (ر.ک. حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۸۷/۹ و ۲۵۷/۱۷). از این حدیث استفاده می‌شود که تعلق زکات به مال یتیم مشروط است به اینکه با مال او تجارت شود، اگر تجارت با مال یتیم صحیح نباشد، تعلق زکات به آن معنی ندارد. ۲- «عَنْ يُونُسَ عَنْ سَعِيدِ السَّمَّانِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ يَقُولُ لَيْسَ فِي مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ إِلَّا أَنْ يَتَجَرَّ بِهِ - فَإِنْ أُتْجِرَ بِهِ فَالْزَيْحُ لِلْيَتِيمِ - وَإِنْ وُضِعَ فَعَلَى الَّذِي يَتَجَرُّ بِهِ. (همان، ح ۲). مضمون این حدیث نیز همانند قبلی است. ۳- «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي الْعَطَارِدِ الْحَنَاطِ قَالَ: قُلْتُ لِلْأَبِيِّ عَبْدِ اللَّهِ عَ مَالُ الْيَتِيمِ يَكُونُ عِنْدِي فَأَتَجَرُّ بِهِ - فَقَالَ إِذَا حَرَكْتَهُ فَعَلَيْكَ زَكَاةُهُ...» (همان، ح ۸۸/۳)

فقهاء نیز فتوی به جواز تجارت با مال یتیم توسط ولی یا غیر ولی با اجازه حاکم شرع در صورت وجود مصلحت داده‌اند، (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳/۳۶۰؛ امام خمینی، ۱۳۹۲ش، ۱۸۱/۲؛ سبحانی، ۱۳۸۷ش، ۴۷۵/۱؛ میلانی، ۱۴۲۹ق، ۳/۳۷۰؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ق، ۵۸۴). در هر صورت، تجارت با مال یتیم توسط ولی او صحیح است و نیازی به اجازه ندارد. تجارت غیر ولی اگر به مصلحت باشد، جایز و صحیح است اما با اجازه ولی.

از این حکم می‌توان در جواز تجارت با اموال خمس و زکات و سرمایه‌گذاری با آن اموال بهره جست، زیرا در اینجا نیز فرض این است که ولی و حاکم شرع با رعایت مصلحت محل مصرف اقدام به سرمایه‌گذاری و معامله با این اموال می‌کند، در نتیجه، از باب تنقیح مناط قطعی که عبارت است از رعایت مصلحت و همچنین تجارت توسط ولی می‌توان در اینجا نیز حکم به صحت کرد؛ زیرا فرض این است هم رعایت مصلحت می‌شود و هم توسط ولی صورت می‌گیرد و نیازمند اجازه نیز نمی‌باشد.

بنابراین، از باب تنقیح مناط، می‌شود ملاک جواز تصرف امام (ع) در عصر حضور و ولی در اموال ایتم و خرید و فروش آنها، بلکه سرمایه‌گذاری با مال آنها در صورت وجود مصلحت را تسری داد به مسأله تجارت و سرمایه‌گذاری با اموال خمس و زکات در عصر غیبت توسط ولی فقیه و حاکم شرع، زیرا ملاک و مناط جواز تصرف در هر دو صورت، وجود مصلحت می‌باشد. بنابراین، ولی و حاکم می‌تواند با رعایت مصلحت، اقدام به سرمایه‌گذاری بنماید.

۵- متعارف بودن سرمایه‌گذاری با اموال عمومی و صدقات مستحبه و اعانات مردمی توسط صندوقها و موسسات خیریه در کشورهای اسلامی، یا نظیر کمیته امداد و بنیاد مستضعفان و ... در ایران، البته با اجازه پرداخت کنندگان یا حاکم شرع، بیانگر آن است که عرف عقلاء بر این امر صحه می‌گذارند و آن را مورد تأیید قرار می‌دهند و یکی از اموری که در استنباط احکام شرعی به نوعی نقش دارد، عرف و سیره عملی عقلاء می‌باشد. اگر چنین تصرفاتی برای این نوع مؤسسات با اجازه حکم اسلامی می‌تواند جایز باشد، چرا خود فقیه و حاکم شرع نتواند با رعایت مصالح مستحقان چنین کاری بکند. چون فرض این است که ولی فقیه و حاکم شرع در جواز اخذ و مصرف آن اموال دارای اختیار است و می‌تواند در جهت مصالح آنان هزینه کند و مصالح محل مصرف منحصر به توزیع نیست، بلکه یکی از مصالح آنان می‌تواند سرمایه‌گذاری باشد تا این گردش مالی همواره، افزون بر مولدسازی، در جریان باشد.

۶- مسأله سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات از نگاه کلان تشریع احکام (مقاصد الشریعه) به طور عام، و فلسفه تشریع خمس و زکات به طور خاص، می‌تواند دلیل دیگری بر مشروعیت سرمایه‌گذاری این اموال به شمار آید؛ زیرا در نگاه کلان مقاصد الشریعه این امر تقریباً مورد اتفاق فقهای امامی است که تشریع احکام بر اساس مصالح و مفاسدی است که در ورای احکام وجود دارد. از مهم‌ترین عواملی که در لسان آیات و روایات نسبت به تشریع خمس و زکات از آن نام برده شده است دو چیز بیش از دیگر موارد خودنمایی می‌کند:

الف) تأمین نیاز فقرا (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۹، کتاب الزکاة).

ب) راکد نماندن مال و تبدیل نمودن آن به سرمایه‌ای مولد و درآمدزا که عکس آن در شریعت مورد مذمت واقع شده است، (توبه: ۳۴-۳۵).

علامه طباطبایی در تحلیل این آیات می‌فرماید: مفهوم «کنز» بیانگر نگهداری، ذخیره و منع جریان مال در معاملات است و مفهوم «سبیل الله» نماینده هر چیزی است که برپایی دین خدا و جلوگیری از فروپاشی بنیان‌های آن ... به آن بستگی دارد و آیه شریفه شامل

جلوگیری از گردش اموال در تأمین همه ضروریات جامعه نیز می‌شود، (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲۵۸/۹-۲۶۰). بنابراین، مال و ثروت باید به نفع مصالح عمومی جامعه اسلامی در چرخه تولید قرار گیرد و راکد گذاشتن آن به زیان اقتصاد فرد و جامعه است.

همین مضامین در روایات نیز آمده است، (کلینی، ۱۳۶۹، ۹۱/۵).

بنابراین، مقایسه بین این که اموال خمس و زکات مستقیماً میان نیازمندان توزیع شود که صرفاً نگاهی مصرف‌گرایانه است یا اینکه این سرمایه کلان دست کم مقداری از آن در امر تولید سرمایه‌گذاری شود و تبدیل به سرمایه‌ای مولد و درآمدزا و صدقه جاریه بشود که هم اصل سرمایه محفوظ می‌ماند و هم جریانی پایدار خواهد بود که همواره نیازمندان جامعه را تأمین خواهد کرد و در جهت رفع فقر، بیکاری و رشد اقتصاد و تولید نیز به کار گرفته می‌شود، عقل و شرع در دوران بین این دو، حکم می‌کند که سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات نه تنها ممنوع نیست، بلکه کاملاً امری مطلوب و مشروع به نظر می‌آید.

نتیجه‌گیری

با توجه به مبنای امام خمینی «ره» در باب امر الی که در اختیار حاکم اسلامی قرار دارد مانند انفال و ... به طور عام، و اموال خمس و زکات، به طور خاص، مبنی بر اینکه ولی فقیه در عصر غیبت مالک (مالکیت عنوان) این نوع اموال است یا ولایت در تصرف در آنها دارد و به هر نحوی که مصلحت می‌بیند آنها را هزینه کند، می‌توان نتیجه گرفت که اگر حاکم اسلامی (ولی فقیه) مصلحت بر این ببیند که برای تأمین هزینه مستحقین خمس و زکات و ایجاد منبعی مطمئن و پایدار جهت رفع نیازهای موارد و محل مصرف و تقویت بنیه مالی آنها اقدام به سرمایه‌گذاری با شرائط و مقررات دارای ضمانت اجرایی بنماید، این اقدام به نظر، مشروعیت دارد و منافاتی نه با ادله شرعی دارد و نه به لحاظ عقلی، منعی دیده می‌شود. از این رو، با توجه به مواردی که در فوق بدان اشاره شد، مشروعیت سرمایه‌گذاری اموال خمس و زکات و یا دست کم مقداری از آنها نقلاً و عقلاً کاملاً قابل اثبات است.

منابع

- قرآن
- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، (۱۴۱۰ق)، **سراثر**، چاپ دوم، قم، انتشارات اسلامی.
- ابن براج، قاضی، (۱۴۰۶ق)، **المهذب**، قم، انتشارات اسلامی.
- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، **معجم مقاییس اللغة**، قم، انتشارات اسلامی.

- ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، چاپ سوم، بيروت، دار صادر.
- ابوالصلاح حلبی، تقی الدین، (۱۴۰۳ق)، **الكافی فی الفقه**، اصفهان، كتابخانه امام امير المومنين (ع).
- اراکی، محسن، (۱۴۲۷ق)، **كتاب الخمس**، قم، مجمع الفكر الاسلامی.
- امام خمینی، روح الله، (۱۴۲۱ق)، **كتاب البيع**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- همو، (۱۴۲۳ق)، **ولايت فقيه**، چاپ دوازدهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره.
- همو، (۱۳۷۸ش)، **كشف الاسرار**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- همو، (۱۳۹۲ش)، **تحرير الوسيلة**، تحقيق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، مؤسسه عروج.
- امینی و ...، (۱۳۹۷ش)، **واکاوی رویکرد حکومتی به خمس و زکات**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۱۹.
- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، **كتاب الزکاه**، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ انصاری.
- همو، (۱۴۱۵ق)، **كتاب الخمس**، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- همو، (۱۴۱۵ق)، **المکاسب (البيع)**، قم، چاپ کنگره.
- بحرانی، آل عصفور، (۱۴۰۵ق)، **الحدائق الناضرة**، تحقيق/ تصحيح محمد تقی ایروانی و سيد عبد الرزاق مكرم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين.
- بنی فضل، مرتضی، (۱۳۸۱ش)، **مدارك تحرير الوسيلة (كتاب الزکاه و الخمس)**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».
- تبریزی، جواد، (۱۴۲۸ق)، **تنقيح مباني العروه**، قم، دار الصديقه الشهيدة (ع).
- تقی زاده و ...، (۱۳۹۵ش)، **تأملی در مالکیت خمس در عصر غیبت**، دو فصلنامه فقه مقارن، ش ۸.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، **الصحيح**، تحقيق احمد عبد الغفور عطار، چاپ چهارم، بيروت، دار العلم للملايين.
- حاتمی، سینا، (۱۳۸۹ش)، **بررسی امکان انتشار اوراق گواهی خمس در جامع اسلامی**، نشریه مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، ش ۱.
- حائری یزدی، مرتضی بن عبد الکریم، (۱۴۱۸ق)، **كتاب الخمس**، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين.
- حرعاملی، (۱۴۰۹ق)، **وسائل الشيعه**، كتاب الزکاه، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- همان، كتاب التجاره.
- حریری، محمد یوسف، (۱۳۸۸ش)، **فرهنگ موضوعی تشریحی علوم اقتصادی**، تهران، انتشارات اطلاعات.

- حکیم، سید محسن طباطبائی، (۱۴۱۶ق)، **مستمسک العروة الوثقی**، قم، مؤسسه دار التفسیر.
- خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق)، **موسوعة الامام الخوئی**، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، **مفردات راغب**، بیروت، دارالعلم.
- زنجانی، فیاض الدین، (بی تا)، **ذخائر الامامه**، تصحیح سید عبد الصمد غزالی زنجانی.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۲۴ق)، **الزکاه فی الشریعه الاسلامیه الغراء**، قم، موسسه امام صادق.
- همو، (۱۳۸۷ش)، **احکام الیبع فی الشریعه الاسلامیه**، قم، موسسه الامام الصادق (ع).
- سبزواری، سید علی، (۱۴۲۴ق)، **کتاب الخمس**، بغداد، دفتر آیه الله سبزواری.
- سبزواری، محمد باقر، (۱۲۴۷ق)، **ذخیره المعاد**، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- همو، (۱۴۲۳ق)، **کفایة الأحکام**، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- سید مرتضی، علی بن حسین موسوی، (۱۴۰۵ق)، **رسائل الشریف المرتضی**، تحقیق/تصحیح سید مهدی رجائی، قم، دار القرآن الکریم.
- سیفی، علی اکبر، (۱۴۳۰ق)، **دلیل تحریر الوسیله**، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شاهرودی، سید محمود، (۱۴۱۰ق)، **بحوث فی الفقه (کتاب الخمس)**، قم، مکتب سید محمود شاهرودی.
- همو، (۱۳۸۳ش)، **کتاب الخمس**، قم، دائرة المعارف الفقه الإسلامی.
- شهید ثانی، زین الدین به علی، (۱۴۱۳ق)، **مسالك الأفهام**، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- صافی گلپایگانی، علی، (۱۴۲۸ق) **ذخیره العقبی**، قم.
- طباطبائی قمی، سید تقی، (۱۴۱۹ق)، **الغایه القصوی**، قم، انتشارات محلاتی.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، **المیزان**، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، **مبسوط**، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه.
- همو، (۱۴۰۷ق)، **الخلاف**، تحقیق/تصحیح علی خراسانی و ...، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- عاملی، محمد بن علی، (بی تا)، **مدارک الأحکام**، قم، مطبعه مهر، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۴ق)، **تذکره الفقهاء**، قم، موسسه آل البيت.
- همو، (۱۴۱۳ق)، **مختلف الشیعه**، تحقیق/تصحیح گروه پژوهش دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.

- فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۳۰ق، **تفصیل الشریعه (الزکاة)**، قم، مرکز فقه الاطهار علیهم السلام.
- فراهیدی، خلیل، (۱۴۱۰ق)، **العين**، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، چاپ دوم، قم، نشر هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، **الکافی**، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- کیخا و ...، (۱۳۹۸ش)، **نقد و تحلیل دیدگاه رایج فقها در باره خمس مال قرضی**، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۲۰.
- محقق حلی، نجم الدین، (۱۴۰۸ق)، **شرايع الاسلام**، چاپ دوم، قم، موسسه اسماعیلیان.
- محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۴۱۴ق)، **جامع المقاصد**، چاپ دوم، قم، موسسه آل البيت.
- مشکانی، زینب و ...، (۱۴۰۰)، **واکاوی ولایت بر اموال زکوی با تأکید بر مبانی امام خمینی**، حکومت اسلامی، ش ۴.
- مشکینی، میرزا علی، (۱۴۱۸ق)، **الفقه المأثور**، چاپ دوم، قم، نشر الهادی.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، **المقنعه**، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ق)، **مجمع الفائدة البرهان**، انتشارات اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۸ق)، **أنوار الفقاهة فی أحكام العترة الطاهرة (الخمس و الأنفال)**، قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام).
- منتظری، حسینعلی، (۱۴۱۵ق)، **دراسات فی ولاية الفقیه...**، چاپ دوم، قم، نشر تفکر.
- همو، (۱۳۸۶ش)، **کتاب الخمس**، قم، ارغوان دانش.
- همو، (۱۴۰۹ق)، **کتاب الزکاة**، قم، چاپ دوم، مرکز جهانی مطالعات اسلامی.
- موسوی خلخالی، سید محمد مهدی، (۱۴۲۷ق)، **فقه الشیعة (کتاب الخمس و الأنفال)**، قم، دار البشیر.
- میلانی، سید محمد هادی حسینی، (۱۳۹۵ق)، **محاضرات فی فقه الإمامیه**، مشهد، نشر دانشگاه فردوسی.
- همو، (۱۴۲۹ق)، **کتاب البیع**، قم، مرکز الحقائق الاسلامیه.
- نوری همدانی، حسین، (۱۳۸۸ش)، **الخمس فی ضوء مدرسه اهل البيت علیهم السلام**، قم، بوستان کتاب.
- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ق)، **جواهر الکلام**، چاپ هفتم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- همو، (۱۳۱۸ق)، **نجاه العباد**، تصحیح میرزا محمد رضا رضوی و دیگران.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۲۵ق)، **کتاب الخمس**، چاپ دوم، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۵ق.

- يزدي، سيد محمد كاظم، (١٤٠٩ق)، العروة الوثقى، چاپ دوم، بيروت، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات.

نسخه پیش از انتشار